

1.  
A: What's your name?  
B: It's Alina Smith.  
A: Elena?  
B: No, Alina. A-L-I-N-A.  
A: Oh, Alina. It's nice to meet you, Alina.

نکته 1: خوب اولش اسم طرف مقابل رو میپرسه.

What's your name?

حالا ما میتونیم با تغییر صفت ملکی، سوال های جدید بسازیم.

What's his name?

What's her name?

What are their names?

What are your names?

حواست باشه با دوتای آخری داریم اسم چند نفر رو میپرسیم!

نکته 2: خیلی راحت میتونیم با کمک It's خودمونو معرفی کنیم.

It's + \_\_\_\_\_.

نکته 3: وقتی برای دفعه اول کسی رو میبینیم از It's nice to meet you استفاده میکنیم.

یعنی "از دیدن شما خوشبختم". چقدر خوبه که میبینمتون.

اما اگه همون شخص یه روز دیگه دوباره دیدیم دیگه نمیتونیم از این جمله استفاده کنیم و میگی

.It's nice to see you

پس حواست به تفاوت این دو عزیز باشه.

2.

A: Your name, please?

B: Matt Rosenblum.

A: Rosenblum... How do you spell that, Mr. Rosenblum?

B: R-O-S-E-N-B-L-U-M.

A: Okay, thank you.

نکته 4: به سوال زیر دقت کن.

How do you spell \_\_\_\_\_?

وقتی میخواهی از طرف مقابل پرسشی را بپرسی، میتونی ازش استفاده کنی.

مثلا

How do you spell your first name?

How do you spell your last name?

یا مثلا سر کلاس هستی، معلم به کلمه میگه و شما نمیتونی بنویسیش، اینجا میتونی بگی

How do you spell that?

3.

A: Could I please have your e-mail address?

B: Sure, it's natwilson@tmail.com.

A: Okay... Matt Nilson...

B: Actually, it's Nat Wilson... n-a-t-w-i-l-s-o-n at tmail dot com.

A: Nat Wilson. Got it. Thanks.

نکته 5: به الگوی قشنگ داریم برای درخواست مودپانه.

Could I please have \_\_\_\_\_?

مثلا

Could I please have your phone number?

میتونم شماره تماستونو داشته باشم؟

Could I please have your e-mail address?

میتونم آدرس ایمیل شمارو داشته باشم؟

به جوابش هم دقت کن!

Sure, it's \_\_\_\_\_.

در جای خالی هم ایمیل یا شماره تماسو میگی!

**نکته 6:** پریم برای کاربرد **actually** یعنی "در واقع"، "در حقیقت" یا "راستش".

اما قرار نیست معنی حفظ کنی. ما لغت رو با مثال یاد میگیریم و حالشو میپریم!

He may look 30, but he's **actually** 45.

ممکنه 30 ساله بنظر برسه، اما در واقع 45 سالشه.

Well, **actually**, you owe me \$20.

خب، راستش، تو به من 20 دلار بدهکاری.

**Actually**, I didn't see her.

در واقع، ندیدمش.

**نکته 7:** کاربرد **Got it** رو ببین. یعنی "گرفتم" یا "فهمیدم". میتونی اینجوری هم بگی

I got it.

که توی حالت محاوره ای اون I گفته نمیشه.

همینو میتونی سوالی هم پرسی، یعنی

Got it?

گرفتنی چی شده فهمیدی؟

5.

A: May I have your phone number, please?

B: Sure. It's 555-2398.

A: Okay... 555-2358.

B: Actually, it's nine eight. 2-3-9-8.

A: Oh, 2-3-9-8. Thank you.

**نکته 8:** به الگوی دیگه برای درخواست مودپانه داریم.

May I have \_\_\_\_\_, please?

مثلا

May I have a word in your ear?

میشه (ممکنه) به چییزی در گوشت بگم؟

May I have your name, please?

میشه اسم شمارو بدونم، لطفا؟ (اون Please آخر، درخواست رو مودپانه تر میکنه.)

May I have your phone number?

میشه شمارتونو داشته باشم؟

6.

A: So, could I give you a call sometime?

B: Sure, that would be great. My cell is 555-7216.

A: 555-7216?

B: Yep, that's right.

A: Okay, I'll give you a call this weekend, then.

**نکته 9:** گفتیم که یکی از کاربردهای **could** برای درخواست مودپانه س.

(اینجا داره میگه،

"So, could I give you a call sometime?"

میتونم به وقتی بهت زنگ بزنم؟

پس **(to) give someone a call** یعنی "به کسی زنگ زدن" یا "با کسی تماس گرفتن".

جای اون **someone** یا **اسم شخص** رو میاریم، یا از **ضمیر مفعولی** استفاده میکنیم یا از یه گروه اسمی مثل **my brother**.

ضمایر مفعولی کدوما بودن؟!

me/him/her/you/us/them

ضمیر کلمه ای هست که جای اسم میشینه. ضمیر مفعولی هم کلمه ای هست که جای مفعول جمله میاد و تکرار اسم جلوگیری میکنه.

I will **give you a call** tomorrow.

فردا پاهات تماس میگیرم.

I **gave him a call** last week.

هفته پیش پاهاش تماس گرفتم.

I always **give my mother a call** every morning.

من هر روز صبح با مادرم تماس میگیرم.

**نکته 10:** این **sometime** به یه زمانی در آینده یا گذشته اشاره میکنه. البته نمیدونم دقیقاً کی!

معنیش میشه "یه وقتی" یا "که گاهی".

خواست باشه که با **sometimes** فرق میکنه ها، ایشون یعنی "گاهی اوقات". مثال هارو ببین.

It's a long story. I'll tell you about it **sometime**.

داستانش طولانیه. یه وقتی در موردش بهت میگم.

Give me a call **sometime**.

یه وقت یه زنگی بهم بزن.

I saw him **sometime** last summer.

یه زمانی تابستان پارسال دیدمش.

My job can be boring **sometimes**.

شغل من میتونه گاهی وقتا کسل کننده باشه.

I **sometimes** have to work late.

گاهی وقتا باید تا دیر وقت کار کنم.

He **sometimes** plays soccer with my brother.

اون گاهی وقتا با پدرم فوتبال بازی میکنه.

**نکته 11:** نفر دوم در ادامه میگه

"That would be great."

یعنی "عالی همیشه".

صحبت در مورد یه موقعیت غیرواقعی. چیزی که هنوز اتفاق نیوفتاده. طرف میگه ممکنه که گاهی بهت زنگ بزنم؛ و نفر دوم در جواب میگه "عالی همیشه". یعنی اگه زنگ بزنی، عالی همیشه.

هنوز زنگ نزده و نفر دوم داره موقعیت رو تصور میکنه. برای همین از **would** استفاده کرده.

مثلا دوستتون بهترتون میگه

Do you want to go out tonight?

امشب میخوای بریم بیرون؟

و شما در جواب میگی

Sure, **that would be great.**

البته، عالی میشه. (اگه پریم پیرون عالی میشه).

میتونین به جای **great** از صفت های دیگه هم استفاده کنین.

That would be **awful.**

That would be **perfect.**

That would be **nice.**

پس حواستون باشه کی ارزش استفاده میکنیم.

زمانی که داریم به موقعیت رو توی ذهنمون تصور میکنیم و واقعی نیست.

یه مثال دیگه بزنم. مثلاً رفیقتون بهتره میگه

Do you want to come, too?

تو هم میخوای بیای؟

و شما در جواب میگی

Yes, **that would be nice.**

بله، خیلی خوب میشه. (اگه پیام خیلی خوب میشه)

**نکته 12:** به نحوه شماره دادن طرف هم دقت کن.

My cell is \_\_\_\_\_.

این **cell** امریکنه.

Call me on my **cell.**

روی گوشیم زنگ بزن.

سهیل! میتونم بگم **mobile**؛

بله ولی در انگلیسی بریتیش!

سهیل! میتونم بگم phone؟

بله مشکلی نیست!

نکته 13: در آخر این جمله رو داریم.

I'll give you a call this weekend, then.

پس آخر هفته بهت زنگ میزنم.

خواست باشه بعد از will از شکل ساده فعل استفاده میکنیم.

یکی از کاربردهای آینده ساده صحبت در مورد تصمیم های لحظه ای. تصمیم هایی که سریع گرفته میشه. یعنی وقتی که یهو توی لحظه در مورد آینده تصمیم میگیریم میتونیم از ایشنون استفاده کنیم و حالشو بگیریم. اینجا طرف شماره رو میگیره و یهو در مورد آینده تصمیم میگیره.

I'm thirsty. I think I will buy a drink.

من تشنه ام. فکر کنم یه نوشیدنی بخرم.

I'm busy right now. I'll talk to you tomorrow.

الان سرم شلوغه. فردا باهات صحبت میکنم.

1.

A: Great party, isn't it?

B: Sure is. So, how do you know Lena?

A: I'm her brother.

نکته 14: اینجا رو دقت کن. جمله ی اصلی ما اینه

It is a great party, isn't it?

مهمونی فوق العاده ای، اینطور نیست؟

اون اولش رو حذف کرده اما لحنش سوالیه!



چون قسمت اول جمله مثبت هست، برای گرفتن تائیدیه از طرف مقابل در آخر از یہ سوال کوتاه منفی استفاده میکنه.

(It's a) Great book, isn't it?

کتاب عالی ای، اینطور نیست؟

(She's a) Pretty girl, isn't she?

دختر زیباییه، اینطور نیست؟

(He's a) Kind man, isn't he?

مرد مهربونیه، اینطور نیست؟

فقط حواست باشه این مدل حذف ها در محاوره اتفاق میوفته ها!

نکته 15: حالا چون نفر اول اومده جمله رو جمع و جور گفته، نفر دوم هم تلافی کرده و په جای اینکه

پگه

It sure is.

گفته

"Sure is."

قطعا همینطوره. (مخفف جواب داده پگه که آررر هههههه، منم پلدم)

پبین مثلا طرف میگه

Is it hot?

هوا گرمه؟

شما میتونین در جواب پگید

Yes, it is hot out there.

پله، اون پیرون هوا گرمه.

حالا ممکنه بخواین شدت رو پپرید بالاااا، میتونین بگید

Yes, it **sure** is hot out there.

بله، قطعاً اون پیرون هوا گرمه.

نکته 16: در ادامه میگو

"How do you know Lena?"

یعنی (نا رو چچوری میشناسی؟ (نا رو از کجا میشناسی؟)

پس سوال قشنگیه. به جای Lena به اسم دیگه بذار و تمرین کن. مثلاً

How do you know Akbar?

اکبر آقارو چچوری میشناسی؟

How does he know you?

تورو چچوری میشناسه؟

How does she know your brother?

برادر تو چچوری میشناسه؟

B: Oh, really? I didn't know she had a brother. My name's Anna, by the way.

A: Nice to meet you, Anna.

نکته 17: به ساختار قشنگ با گذشته ساده داریم.

I didn't know she had a brother.

نمیدونستم به برادر داره.

باید توی این دوره یاد بگیری که از چیزهای ساده نگذری و حسابی جمله سازی و تمرین کنی!

I didn't know you had a car.

نمیدوستم ماشین داری.

I didn't know he had a child.

نمیدوستم بچه داره.

I didn't know they had a party.

نمیدونستم جشن گرفتن.

I didn't know she had a job.

نمیدونستم شاغله.

دقت کن که قسمت دوم جمله گذشته س!

چون قسمت اول جمله گذشته س، قسمت دوم هم باید ارزش پیروی کنه و گذشته باشه.

**نکته 18:** نکته بعدی کاربرد **by the way** هست. اینجا یعنی "راستی"، "در ضمن".

در کل زمانی کاربرد داره که بخوایم بین صحبت هامون یه بحثی رو مطرح کنیم یا اطلاعاتی رو به طرف مقابل بدیم که خیلی به موضوع قبلی ربط نداره.

By the way, how is John?

راستی، جان چطوره؟

By the way, what happened to the money?

راستی، پوله چی شد؟

By the way, what's the time?

راستی، ساعت چنده؟

By the way, how did your seminar go?

در ضمن، سمینارت چطور پیش رفت؟

که خود همین یه الگوی قشنگه!

2.

A: Good morning, I'd like to register for English class.

B: All right... which level?

A: Let's see, I took Level 5 last semester... so Level 6, I guess.

B: Okay.... level 6. And your name?

\* A: Sylvia Gomez.

B: Sylvia Gomez... Could I please have your e-mail address, Sylvia?

**نکته 19:** یکی از راه های سلام کردن استفاده از **Good morning** هست. البته طبیعی که قطعاً باید صبح باشه تا شما بتوانین ازش استفاده کنین!

**نکته 20:** یکی از راههای مودپانه درخواست کردن استفاده از الگوی زیره.

I'd like to do something

میخواهم (تمایل دارم) فلان کارو انجام بدم.

I'd like to ask you something.

میخواهم یه چیزی ازت بپرسم.

I'd like to go to this address.

میخواهم به این آدرس برم.

I'd like to cash this, please.

میخواهم این رو نقد کنم، لطفاً.

I'd like to see the menu, please.

میخواهم منو رو ببینم، لطفاً.

I'd like to rent a car, please.

میخواهم یه ماشین کرایه کنم، لطفاً.

اینجا هم میگویم

"Good morning. I'd like to register for English class."

صبح بخیر. میخواهم برای کلاس انگلیسی ثبت نام کنم.

پس حواست باشه، **(to) register for something** یعنی "برای چیزی ثبت نام کردن".

نکته 21: در ادامه داریم

All right ... which level?

این **All right** معادل همون OK هست، یعنی "خیلی خوب".

حالا ممکنه پرسسی سهیل؟! همیشه بگیم **What level**؛

منم میگویم نه همیشه!

زمانی که میخواهیم در مورد یه سری چیزهای محدود سوال پرسیم و طرف مقابل برای جواب دادن گزینه هاش محدوده، از **which** استفاده میکنیم.

طرف میخواهه برای کلاس انگلیسی ثبت نام کنه، خوب بدون شک تعداد سطحها محدوده، بی نهایت سطح که نداریم. باید از **which** استفاده کنه.

اما زمانی که گزینه های طرف برای جواب دادن محدودیتی نداره، از **what** استفاده میکنیم.

What color do you like?

چه رنگی رو دوست داری؟!

طرف هر جوابی میتونه بده و محدودیتی نیست!

نکته 22: در ادامه داریم

"Let's see, I took level 5 last semester ... so level 6 I guess."

اولش میگویم **let's see** یعنی بذار ببینیم. مخفف **let us see** هست. و بعدش میگویم

"I took level 5 last semester."

ترم گذشته سطح 5 رو برداشتم.

میشه term هم بگیریم؟!

پله ولی توی انگلیسی پریتانیایی کاربرد داره. ما داریم امریکن کار میکنیم!

**نکته 23:** و نکته بعدی اینکه وقتی فکر میکنی یه چیزی درسته ولی در موردش مطمئن نیستی، میتونی توی محاوره از **I guess** استفاده کنی.

یعنی "گمان میکنم"، "حدس میزنم" یا "فکر میکنم".

His light's on, so **I guess** he's still up.

چراغش روشنه، بنابراین گمان میکنم هنوز بیداره.

3.

A: Hello, could I have a dinner reservation for this evening, please?

B: Certainly. For what time?

A: Uh, 7:00?

B: Let me see... 7:00... for how many people?

A: Four.

B: Yes, we do have a table for four at 7:00.

A: Great.

**نکته 24:** به کالو کیشن (to) have a dinner reservation دقت کن. یعنی "شام رزرو کردن".

مثلا

Could I **have a dinner reservation** for this evening, please?

میتونم برای امشب شام رزرو کنم، لطفا؟

**نکته 25:** ممکنه پرسشی که سهیل؟! مگه شب night نمیشه؟!

چرا، ولی تفاوت **night** و **evening** توی ساعت شبانه روز هست. دومی به سر شب اشاره میکنه. مثلاً برای بعد از ساعت 5. حتی برای سلام کردن هم میتونیم توی اون بازه ی زمانی از **Good evening** هم استفاده کنیم. و **night** معمولاً بعد از ساعت 8 هست. پس حواست باشه دیگه **night** واقعاً شبه، همه جاا تاریکه، برای ساعت 8 یا 9 به بعد و اتفاقاً مردم از **Good night** برای شب بخیر گفتن و رفتن به خواب استفاده میکنن.

پس حواست باشه که **at night** بعد از **in the evening** هست.

مثال هارو ببین.

I do most of my studying **in the evening**.

من بیشتر درس خوندم رو سر شب انجام میدم.

I'm usually out **on Friday evenings**.

معمولاً جمعه شب ها بیرونم.

What are you doing **tomorrow evening**?

فردا شب در چه حالی؟

I'll see you **this evening**.

امشب میبینمت.

پس میتونیم امشب ترجمه ش کنیم، اما حواستون باشه که به چه بازه ی زمانی ای اشاره داره.

در ادامه از **let me see** استفاده میکنه. یعنی "بذار ببینم". حواست باشه با اون **let's see** اشتباه نکنی!

**نکته 26:** و همینطور این جمله رو داریم.

**"Yes, we do have a table for four at 7:00."**

داره با شدت و تاکید میگه که بله، یه میز برای چهار نفر ساعت 7 داریم.

پس کار اون **do** چیه؟! **تاکید!** همین!

وقتی میگی

We study English every day.

یعنی ما هر روز زبان میخوانیم.

حالا اگه بخوایم شدت و تاکید رو بالا ببریم میتونیم بگیم.

We **do** study English every day.

این جمله شدت تاکیدش بیشتره.

حالا ممکنه فاعل ما He یا She باشه. اینچور وقتا از does استفاده میکنیم.

He **does** work hard.

اون سختتنتتتت کار میکنه.

She **does** go walking every morning.

هر روز صبح میره پیاده روی.

پس دقت کن که این do و does کجاها میان و کارشون چیه!

4.

A: Hey, Liza!

B: Dana! It's great to see you! How are you?

A: Pretty good. And you?

A: Not bad, not bad. Hey, we should get together sometime, maybe have coffee.

B: Yeah, let's do that!

**نکته 27:** به این حال و احوال کردن ها دقت کنین. از هیچی ساده نگذریدا!

It's great to see you.

چقدر عالیه که میبینمت. (خوشحالم که میبینمت).



Pretty good.

خیلی خوبم.

Not bad, not bad.

بد نیستم، بد نیستم.

نکته 28: بعدش میگه

"We should get together sometime, maybe have coffee."

این فریزال ورپ **get together** (اینجا یعنی "دور هم جمع شدن و وقت گذروندن").

They usually **get together** once a month.

اونتا معمولا ماهی یبار دور هم جمع میشن.

All the members of the family **get together** once a year.

تمام اعضای خانواده سالی یبار دور هم جمع میشن.

When they **get together**, all they talk about is soccer.

وقتی اونتا دور هم جمع میشن، تمام چیزیه که درباره اش حرف میزنن فوتباله. (فقط در مورد فوتبال حرف میزنن).

توی مکالمه هم میگه باید یه وقتی دور هم جمع بشیم، شاید یه قهوه ای بخوریم. (شاید به پهونه

خوردن قهوه)

5.

A: Good evening. Welcome to the Ocean Breeze Hotel. Are you checking in?

B: Yes, I have a reservation for tonight.

A: Okay. May I have your name, please?

B: Yes, it's Chuck Bellington.

نکته 29: حواست باشه هرچا دیدی یه کلمه با حرف بزرگ شروع شده، یعنی اسم هست و دنبال

معنی نباش. مثا همین جا.

Ocean Breeze Hotel

این اسم به هتل هست. معنی نداره!

**نکته 30:** وقتی که شما در هتل یا فرودگاه **check in** میکنین، در واقع میاید به سمت پذیرش و اطلاع میدید که به اونجا رسیدید.

یعنی همون انجام پذیرش در جایی مثل هتل یا فرودگاه. اعلام حضور در یه چنین جاهایی. اینجا هم میگه

"Are you checking in?"

منظورش اینه رزرو کردید و میخواید پذیرش بشید؟ دارید اعلام حضور میکنید؟  
و طرف جواب میده

"Yes, I have a reservation for tonight."

بله، برای امشب رزرو دارم.  
مثال بعدی رو ببین.

**Check in** two hours before the flight.

دو ساعت قبل از پرواز اعلام حضور کنین. (پذیرش بشید).

6.

A: Hi, Alina?

B: Yes?

A: This is Marta, from English class.

B: Oh, hi Marta.

A: Listen, I wasn't in class on Friday.  
Could you tell me the homework assignment?

B: Yeah sure, but I'm not at home right now... could I e-mail it to you?

A: Sure, that would be great.

نکته 31: دقت کن که پشت تلفن چچوری خودشو معرفی میکنه

This is \_\_\_\_\_.

نکته 32: اینجا به ساختار کاربردی داریم.

Could you tell me \_\_\_\_\_?

مثال هارو ببین و حالتو پیر!

Could you tell me something?

میتونی (میشه) به چیزی رو بهم بگی؟

Could you tell me how much it is?

میشه بهم بگی قیمتش چنده؟

Could you tell me the way to the post office?

میشه مسیر اداره ی پست رو بهم بگی؟

Could you tell me where the public telephones are?

میشه بهم بگید تلفن های عمومی کجا هستن؟

حواسه باشه چون قسمت اول جمله سوالیه، اگه خواستیم قسمت دوم رو به صورت جمله بپاریم، دیگه لازم نیست سوالی باشه، یعنی قسمت دوم جمله از حالت سوالی خارج میشه.

استفاده که بگیم

Could you tell me ~~how much is it?~~

اینجا هم میگه

"Could you tell me the homework assignment?"

میشه تکالیف خونه رو بهم بگی؟

نکته 33: در ادامه داریم

"I'm not at home right now."

این right now یعنی همون now. یعنی "الآن"، "در حال حاضر".

I'm not working right now.

الآن در حال کار کردن نیستم.

He's out of the office right now.

در حال حاضر پیرون از دفتر هستن.

Are you in a relationship right now?

در حال حاضر توی رابطه ای؟

نکته 34: نکته بعدی اینکه e-mail میتونه خودش در روش فعل هم استفاده بشه. یعنی "ایمیل کردن".

Could I e-mail it to you?

میتونم (امکانش هست) برات ایمیلش کنم؟

I'll e-mail you the book when I get home.

وقتی برسم خونه کتاب رو برات ایمیل میکنم.

همینو میتونیم اینچوری هم بگیم.

I'll e-mail the book to you when I get home.

پس دوتا ساختار داره!

مثلا

I'll e-mail the documents to her.

I'll e-mail her the documents.

مدارک رو پراش ایمیل میکنم.

و در نهایت پسره جواپ میده

"That would be great."

یعنی "عالی میشه".

پپین اگه پگی

That's great.

یعنی "عالیه".

ولی اینجا صحبت در مورد یه موقعیت تخلیه. داره تصور میکنه که اگه تکالیف پراش ایمیل پشه، عالی میشه. برای همین از would استفاده میکنه.

2.

A: Hey, Sarah! How are you?

B: Oh, hi,... I'm sorry, I've forgotten your name.

A: It's Mick.

B: Oh, that's right. Nick.

A: Actually it's Mick, with an M.  
M-I-C-K.

B: Mick. Got it. So, Mick, are you going to the gym this weekend?

نکته 35: اینجا نفر دوم میگه

"I'm sorry, I've forgotten your name."

متأسفم (پبخشید)، اسمت رو فراموش کرده ام.

ساختار حال کامله. یعنی علاوه have/has به همراه قسمت سوم فعل.

I have forgotten your phone number.

شماره تو فراموش کرده ام.

چرا حال کامل؟! چون داریم در مورد چیزی صحبت میکنیم که در گذشته اتفاق افتاده، هنوزم هست و ادامه داره.

من توی گذشته شماره تو فراموش کردم، هنوزم یادم نمیداد!

فعلا با همین جمله کار میکنیم تا آروم آروم با مثال های مختلف در حالت های مختلف روی حامل کامل به صورت کاربردی مسلط بشیم.

I've forgotten my umbrella.

چترمو فراموش کرده ام.

I've forgotten the tickets!

بلیط هارو فراموش کرده ام.

I've forgotten where they live exactly.

فراموش کرده ام که دقیقا کجا زندگی میکنن.

I've forgotten my pen. Could I borrow yours?

خود کارمو فراموش کرده ام. میتونم مال تورو قرض بگیرم؟

I've forgotten my book at home.

کتابم رو خونه فراموش کرده ام.

I've forgotten my key.

کلیدمو فراموش کرده ام.

I've forgotten my wallet.

کیفم رو فراموش کرده ام.

I've forgotten what I was going to say.

فراموش کرده ام که میخواستم چی بگم.

نکته 36: به نکته مهم دیگه هم داریم.

یکی از کاربردهای حال استمراری صحبت در مورد برنامه های قطعی آینده س.

I'm meeting my father tomorrow.

فردا پدرم رو میبینم.

دارم در مورد یه برنامه قطعی آینده صحبت میکنم.

I'm going walking tonight.

امشب دارم میرم پیاده روی.

حالا اینجا داره با استفاده از همین زمان و کاربردش سوال میپرسه.

Are you going to the gym this weekend?

این آخر هفته داری میری باشگاه؟ (برنامه باشگاه رفتن داری؟)

Are you studying English tonight?

این یعنی امشب میخوانی زبان پخوانی؟ برای زبان خواندن برنامه داری؟

Are you having party on Friday?

جمعه مهمونی داری؟

پس با همین ساختار حسابی تمرین کنین تا پریم برای حالت های مختلف بعدی!

3.

A: Mike! Hello!

B: Oh, hello, uhhh...

A: Hannah. We met at Ellie's party.

B: Oh, right! How are you doing, Anna?

A: Pretty good! Actually my name's Hannah, not Anna – H-A-N-N-A-H.

نکته 37: به نکته داریم اینجا.

How are you doing?

یه اصلاح کاربردی به معنی "حالت چطور؟" هست. معادل هاش رو ببین.

How are you?

Are you well?

How are things?

توی انگلیسی محاوره ای میتونیم از **How you doing** هم استفاده کنیم.

پس حواست باشه که محاوره ای. ولی مثلا **How are you** حالت خنثی داره، هم توی محاوره استفاده میشه هم توی موقعیت های نسبتاً رسمی تر.

جواب دادن بهش هم خیلی راحت. مثلا

I'm fine./ pretty good./ I'm doing great.

4.

A: Excuse me... don't I know you from somewhere?

B: I think so... you look familiar... do you go to Eastern University?

A: No, I don't... wait a minute, don't we wait at the same bus stop every morning?

B: Oh, that's right! But I'm always too tired to talk... My name's Stacy, by the way.

A: Hi, Stacy. I'm Devon.

B: Nice to meet you, Evan.

A: Oh, actually it's Devon. D-E-V-O-N.

نکته 38: ببین اولش چقدر قشنگ میه

"Excuse me, don't I know you from somewhere?"



پېڅښئيد، من شمارو از چايي نيميشناسم؟

موقعيتش قطعا پراي خيلى از ماها پيش اومده، طرف آشنا پنظر ميرسه ولي نيميدونيم دقيقا كجا  
ديديمش. اينچورى وقتا ميتونيم از اين سوال استفاده كنيم.

حالا په زمانى هم هست پهو يكي ميا د چلو و شروع ميكنه په سلام و احوال پرسى، در حالى كه ما طرف  
رو نيميشناسيم يا يادمون نمياد طرف كي هست، اينجا ميتونيم بگيم

Do I know you from somewhere?

من شمارو از چايي ميشناسم؟

در ادامه نفر دوم ميگه

"I think so, you look familiar."

منم اينطور فكر ميكنم (فكر ميكنم همدیگه رو په چايي ديديدم)، آشنا پنظر ميرسى.

You don't look familiar.

آشنا پنظر نميرسى.

He looks familiar.

آشنا پنظر ميرسه.

She doesn't look familiar.

آشنا پنظر نميرسه.

پس با حالت هاي مختلف شروع كن به تمرين و تكرر فراوان!

نکته 39: يكم چلو تر داريم

"Wait a minute; don't we wait at the same bus stop every morning?"

يه دقيقه صبر كن، ما صبح ها توى په ايستگاه اتوبوس منتظر نمى مونيم؟

وقتي ميخواي په طرف مقابلت بگي په دقيقه (ثانيه/لحظه) صبر كن، ميتونى از اين عزيزان دل  
استفاده كنى.

Wait a minute.

یه دقیقه صبر کن.

Wait a second.

یه ثانیه صبر کن.

Wait a moment.

یه لحظه صبر کن.

اینا همگی به هم نزدیک هستند و یه مفهوم رو میپرسونن.

Wait a second, I'll get my coat and come with you.

یه ثانیه صبر کن، کت رو میارم و باهات میام.

Wait a minute, that's not what we agreed!

یه دقیقه صبر کن، اون چیزی نیست که ما توافق کردیم.

Wait a minute, I've got a better idea.

یه دقیقه صبر کن، من یه ایده ی بهتر دارم.

Wait a minute, I'm thinking.

یه دقیقه صبر کن، دارم فکر میکنم.

Wait a moment, just let me think.

یه لحظه صبر کن، فقط بذار فکر کنم.

Wait a moment, I need to go to the bathroom.

یه لحظه صبر کن، باید برم (لازمه برم) دستشویی.

**نکته 40:** نکته بعدی اینکه بعد از every اسم ما به صورت مفرد میاد!

تازه فعل بعدش هم مفرد میاد!

Every room in the house has a fireplace.

هر اتاق توی خونه یه شومینه داره.

He wears clean socks **every** day.

اون هر روز جوراب های تمیز می پوشه.

**Every** picture tells a story.

هر عکسی یه داستانی میگو. (هر عکس یه داستان و ماجرای داره)

**نکته 41:** در ادامه داریم

Oh, that's right!

اوه، درستئه!

But I'm always too tired to talk.

اما من همیشه برای صحبت کردن پیش از حد خسته ام.

آقا دقت کن که این **too** بار معنایی منفی داره، یعنی "پیش از حد".

I was **too** hungry.

پیش از حد گرسنه بودم.

It's **too** expensive.

پیش از حد گرونه.

He is **too** lazy.

خیلییییییی تنبله.

**نکته 42:** یه ساختار قشنگ هم داریم.

I'm \_\_\_\_\_ to do something

توی جای خالی صفت میذاریم.

I'm tired to walk.

برای پیاده روی خیلی خسته ام.

I'm happy to go home.

برای رفتن به خونه خوشحالم.

حالا میتونی too بهش اضافه کنی یا با کلمات دیگه جمله سازی و حالشو پبری!

I'm always too tired to study French.

همیشه برای مطالعه فرانسوی خیلی خسته ام.

He's always excited to drive.

همیشه برای رانندگی کردن هیجان زده س.

She's always bored to talk.

همیشه برای حرف زدن کسله.

ببین پس جمله سازی کاری نداره، فقط کافیه کمی خلاق باشی!

5.

A: Excuse me, aren't you Beth Fileo's son – Mike, right?

B: Yes, I am. Actually it's Ike... no M, just I-K-E.

A: Oh, Ike. Sorry about that. I'm Liz Jones. I work with your mother.

B: Oh, of course. Good to see you again, Ms. Jones.

نکته 43: اولش میگه

"Aren't you Beth Fileo's son-Mike, right?"

تو پسر بت فیلیوو نیستی-مایک، درست؟

مثلا

Aren't you sorry for/about what you've done?

بخطا کارى که کرده ای پشیمون نیستی؟

Aren't you pleased to see me?

از اینکه منو میبینی خوشحال نیستی؟

Aren't you on television?

توی توی تلویزیون نیستی؟

چندتا نکته ریز هم بهت بگم!

دقت کردی که این Actually چقدر تا الان تکرار شد؟!

این Sorry about that هم در موقعیت خودش خیلی کاربردی.

I'm sorry about that.

در موردش متاسفم. (مثل همین مکالمه، ممکنه اولش رو نگن)

I'm awfully sorry about that.

پشدمت در موردش متاسفم. (شدتتش بالاتره)

Sorry about that. I'll buy you a new one.

بابتش متاسفم. برات یه دونه جدیدشو میخرم.

I am so sorry about that.

بابتش خیلی متاسفم.

6.

A: Hi, Tony. How are you?

B: Oh, I'm fine thank you. I'm sorry,  
I should know your name...

A: Tandy. I work in the accounting  
department.

B: Oh, that's right. How've you been,  
Mandy?

A: Actually, it's Tandy – T-A-N-D-Y. It's  
an unusual name, I know!

**نکته 44:** به تک تک مکالمات دقت کن. اولش به حال احوال خیلی رایج رو اینجا میبینی.

بعد به جمله قشنگ داریم. به زمانی هست اسم طرف یادتون نمیداد. اینجا میتونین بگین

"I'm sorry, I should know your name."

خیلی متاسفم، باید اسمتو بدونم (باید اسمتو بلد باشم).

یعنی قبلا اسمتو شنیدم، اما الان یادم نمیداد.

که دیگه معمولاً بعدش طرف اسمشو میگه، مثل همین جا.

"Tandy. I work in the accounting department."

تندی. توی بخش حسابداری کار میکنم.

**نکته 45:** در ادامه نفر دوم میگه

How've you been, Mandy?

ایشون در انگلیسی معاوره ای خیلی رایجه. اون How've مخفف How have هست.

شپیه How are you? هست، اما زمانی ازش استفاده میکنیم که طرف مقابل رو برای مدت طولانی ندیده ایم. مثلاً چند ماه یا حتی بیشتر.

دو حالت میتونیم به این سوال جواب بدیم. حالت اول پاسخ کوتاهه.

"Good!"

"Great!"

"Not bad!"

"Never been better!"

"Could be better."

Hectic!"

"Busy, busy."

"As usual."

حالت دوم پاسخ بلنده که این حالت بیشتر پیشنهاد میشه. چون منظور طرف از این سوال اینه که چه خبره! حال و اوضاع چگونه؟ چیکارا کردی؟ و انتظار داره که شما یکم توضیح بدی که اخیرا در چه حالی، داری چیکارا میکنی، حال و احوالت چگونه. حواست باشه که اینجا باید از ساختار **حال کامل استمراری** استفاده کنی.

**I have been + verb-ing**

یعنی I have been رو میگی و بعدش فعل رو به صورت ing دار میاری!

این زمان به کاری اشاره میکنه که در گذشته شروع شده، هنوزم در حال انجامه و احتمالا ادامه داره.

**I have been working.**

یعنی دارم کار میکنم.

**I have been studying.**

دارم درس میخوانم.

**I have been practicing cooking.**

دارم آشپزی تمرین میکنم.

I have been spending a lot of time at the gym.

دارم وقت زیادی رو توی باشگاه میگذرونم.

حالا برای اینکه خوشگل تر صحبت کنی، به جای I have بگو I've.

و اینکه بعد از اینکه گفتی در چه حالی، بعدش خودت از طرف مقابل در مورد حال و احوالش سوال بپرسی، اینجوری:

I've been busy working a lot. How about you? How have you been?

پس یاد گرفتی منظور این سوال چیه، باید چچوری جواب بدی و بعد توپ رو پندازی سمت طرف مقابل!

نکته 46: در ادامه هم میگو

"It's an unusual name, I know."

یه اسم غیرعادی. میدونم.

Did you eat something **unusual**?

چیز غیرعادی ای خوردی؟

This egg has an **unusual** flavor.

این تخم مرغ یه طعم غیرعادی داره.

She has a very **unusual** name.

اون یه اسم خیلی غیرعادی داره.

**unusual** نقشش صفته قبل از اسم میاد.



Don't tell people your plans. Show them your results.